**بیانیه مبانی فلسفی و مبانی تلفیقی**

**پست مدرنیسم نادر اردلان**

**بیانیه مبانی فلسفی**

پست مدرنیسم جنبشی است فلسفی, فرهنگی و هنری دوران معاصر در واکنش به فلسفه و هنر مدرن. و از آن جایی که پست مدرنیسم مدعی است که از نارسایی ها و نواقص عصر مدرنیسم بی بهره است, برای آشنایی با فلسفه پست مدرنیسم, شناخت مدرنیسم لازم و ضروری می باشد.

در پاسخ به سوال **مدرنیته** چیست بر اساس عقیده **زیگمونت باومن[[1]](#footnote-1)**: واژه مدرن در قرن 17 وارد عرصه منازعات روشنفکری اروپای غربی شد. مدرن به معنی "رایج"،"متداول" ، "جدید" بود.

مدرنیته منکر هر گونه اقتدار و اعتبار برای گذشته بود و هیچ گونه احترام و حرمتی برای گذشته و سنت قائل نبود. مدرنیته را میتوان عصری توصیف کرد که ویژگی شاخص آن **تحولات دائمی** است\_ عصری آگاه از این ویژگی شاخص خود، عصری که آفرینش­های مادی و معنوی خود، دانش و اعتقادات خود را به عنوان جریاناتی سیال، گذرا،متغییر و غیر قطعی تلقی می­کند، جریاناتی که صرفا باید تا "اطلاعیه بعدی" به آن­ها باور داشت و عمل کرد، جریاناتی که در نهایت ارزش و اعتبار خود را از دست داده و جای خود را به جریاناتی جدید و بهتر می­سپارند. (نوذری،1336)

تمام وجوه زندگی مدرن تمایل فزاینده­ای به **عقلانی شدن** دارد.

**دکارت** از پایه گذاران فلسفه مدرن با این گفته خود که "**من فکر می­کنم پس هستم**" تاکید ذهنیت مدرن بر عقل و عقل گرایی را میرساند. عقلگرایی عبارت است از حذف یا سرکوب هرچیز غیر عقلانی.

مدرنیته نتوانست دنیای آرزوهایی که برای انسان مدرن ترسیم کرده بود به واقعیت تبدیل کند و اعتبار خود را از دست داد و **پست­مدرن** روی­کار آمد و می­توان آن را به مثابه"**بازگشت به محتوا**" دانست. در ادامه به بررسی فلسفه پست­مدرن و نظریات نظریه پردازان پست مدرن می­پردازیم .

**پیشوند پست**((post را در فارسی به معنای **بعد. پس. پسا** برگردانده اند. پیشوند پست در پست مدرن اشاره به این دارد که پست مدرن چیزی است که **پس از مدرن** می آید جایگزین آن می شود.یا آن را مختل می­کند.

اصطلاح **"پست مدرن"** **اولین بار** در 1917 به وسیله فیلسوف آلمانی **رودلف پانویتس[[2]](#footnote-2)** برای **توصیف هیچگرایی** فرهنگ غربی قرن بیستم به کار رفت.این واژه مجددا در 1934 در آثار منتقد ادبی اسپانیایی **فدریکو آونیس[[3]](#footnote-3)** در اشاره به **واکنشی علیه مدرنیسم** ادبی ظاهر شد. همچنین این اصطلاح به دو طریق بسیار متفاوت در **انگلستان** به کار گرفته شد، برای به رسمیت شناختن **شکست مدرنیسم دنیوی و بازگشت به مذهب** و دیگری اشاره به **ظهور جامعه توده­ای پس از جنگ جهانی اول** که درآن طبقه­ی کارگر اهمیتی بیش از طبقه سرمایه دار پیدا می­کند. کاربرد این اصطلاح در **فلسفه** به دهه هشتاد برمی­گردد که اولا برای اشاره به فلسفه فرانسوی **پساساختارگرایی** و ثانیا برای دلالت بر **واکنشی عمومی علیه عقل گرایی مدرن.** )کهون،1954)

پست مدرنیسم بعضی از اصول، روش­ها یا ایده­های مهم و شاخص فرهنگ جدید غرب را منسوخ و نامشروع تلقی می­کند. به این معنا **پست مدرنیسم** ناظر است بر آخرین موج در **نقد روشنگری**، یعنی نقد اصول فرهنگی شاخص جامعه­ی مدرن که بازمانده­ی قرن هجدهم است. بعضی از پست مدرنیست­ها به صراحت این ادعای تاریخی را مطرح می­کنند که **مدرنیته به پایان خودش نزدیک می­شود** . بعضی دیگر اصلا از مدرن یا مدرنیسم سخن نمی­گویند بلکه آن **اصولی را نقد می­کنند** که اغلب فلاسفه آن­ها را اساس جهان مدرن می­دانند. بعضی خواهان **طرد مدرنیته اند**، در حالی که بعضی دیگر فقط آن را زیر سوال می­برند، بدون اینکه بگویند آیا جایگزینی برای ان وجود دارد یانه. (کهون،1954)

**لیوتار[[4]](#footnote-4)-**فیلسوف نامدار پست مدرن- در تعریفی که از پست مدرنیسم ارایه می­دهد آن را "**ناباوری و عدم ایمان به هرگونه روایت کلان یا فراروایت[[5]](#footnote-5)**" می­داند.

لیوتار معتقد بود عصر ما شاهد **فروپاشی** و سقوط تمامی آن دسته از **فراروایت­های کلانی** است که زمانی وعده و نوید نیل به حقیقت و عدالت پس از هر پویش را می­دادند.

آنچه که پیش روی ما و برای ما به جامانده است نوعی چندگانگی و کثرت باز و آزاد بازیهای زبانی نامتجانس یا کاملا ناسازگار و نامتوافق است که هر کدام واجد معیار ذاتی و درونی خاصی برای خود است. به اعتقاد لیوتار **علم همواره در تضاد با روایت­ها قرار داشته است**. روایت ها را در صورتی که با معیار علم مورد قضاوت و داوری قرار دهیم، اکثر آنها افسانه­ای بیش نخواهد بود. ولی تا جایی که علم خود را به ارایه قواعد مفید محدود نسازد و در جستجو یافتن حقیقت براید، در آن صورت الزاما مجبور است که به قواعد بازی خود مشروعیت ببخشد. بدین ترتیب علم با توجه به جایگاه و شان خاص خود گفتمان مشروعیت ایجاد خواهد کرد: گفتمانی موسوم به گفتمان فلسفی.

از دیدگاه دیگر شارحان و نظریه پردازان میتوان پست مدرن را نوعی صورت بندی و رخساره در حال ظهور و شکل گیری تلقی نمود. برای مثال براساس دوره بندی **چالرز جنکز** که از پست مدرن به عنوان "**مدرن متاخر**" یا **"مدرن پیشرفته"** یاد می­کند و برخلاف پندار رایج در میان سایر پست مدرنیست­ها، آن را نه تنها گسست و انقطاع از مدرن و مدرنیته نمی­داند بلکه آنرا **تداوم و تکامل مدرنیته** محسوب می­دارد. از دیگر نظریه پردازان این دیدگاه میتوان به **ایهاب حسن** اشاره کرد وی با تاکید بر وجوه خاصی از جنبش پست مدرن نظیر آفرینش زدایی یا عدم آفرینش[[6]](#footnote-6) و شالوده شکنی، به جای استفاده از واژه­ی پست مدرن یا پست مدرنیسم ، آن را شکل **انقلابی، افراطی و اغراق آمیز مدرنیسم** دانسته است.

در بررسی پست مدرنیسم نمی توان به دنبال اصول و چارچوب خاصی بود؛ چرا که این جنبش و ایده فکری یک اندیشه اصول ستیز و چارچوب گریز است؛ ولی به صورت مسـامحه می توان مضمون های را در قالب چند اصل زیر بیان کرد:

پست مدرنیست به **نفی وحدت گرایی و اعتقاد به کثرت و نسبیت** می­پردازد. پست مدرنیست ها به تبع **نیچه**، مخالف قرار دادن یک حقیقت مرکزی برای زندگی هستند؛ چرا که در این صورت باید دیگر وجوه زندگی را منکر شویم. در واقع **زندگی کلیتی از تفاوت ها** و تکثرها و پراکندگی هاست که نمی توان آن را به یک اصل واحد, یا یک غایت و آرمان یگانه فروکاست. از این رو, پست مدرن در تضـاد با آرمـان گـرایی, غـایـت گرایی, و ذات گرایی است. **لیوتا**ر، پست مدرن را مقاومتی در برابر تبییـن های واحـد, **(نفـی فرا روایت ها)** معـرفی مـی کند.

**نفی روایت های کلان** از سوی پست مدرنیسم. یکی از شاخصه های مدرنیسم در علوم اجتماعی ساختن روایت های کلان یا فرا روایت ها و پرداختن نظریه های کلی و عام برای تبیین رفتارهای اجتماعی است. مدرنیسم برای رسیدن به قطعیت, روش علوم تجربی را در تمامی زمینه های انسانی و اجتماعی, الگو قرار می دهد که تجلی مکتبی آن در فلسفه پوزیتویسم به خوبی مشهود است. پست مدرنیسم خیزش و شورشی است در برابر نگاه علم گرایانه و پوزیتویستی مدرنیسم, که مدعی قطعیت در علوم طبیعی و علوم اجتماعی است. به تعبیر لیوتار, پست مدرن عصر انهدام و فروپاشی این فرا روایت ها و تبیین های کلی است. انسان پست مدرن به تنها چیزی که باور دارد اجزا و قطعات پراکنده است.

**نفی موضع معرفت شناختی فلسفه مدرن و ادغام سوژه و ابژه:** یکی از اساسی ترین مبنایی فلسفه مدرن اندیشه سوژه محورانه دکارتی است. دکارت با اصرار فراوان بر ذهن یا وجه شناختی انسان, میان فاعل شناسایی(سوژه) و موضوع شناسایی (ابژه) جدایی می انداخت و مبنای یک فلسفه انسان بنیاد را، بنا نهاد. بر اساس این مبنا, جهان پیکر مادی منفعلی است که موضوع شناخت آدمی قرار می گیرد و آدمی ذهنیتی است مجزا و مسلط بر فراز جهان که این جهان منفعل تحت سلطه را مورد تأمل و شناخت قرار می دهد.

در فلسفه پست مدرن این مبنا به کلّی فرو می ریزد. لیوتار صریحا اعلام می کند که «من می اندیشم پس هستم» دیگر اعتباری ندارد. در تفکر پست مدرن, با مرگ سوژه شناساگر و عقل سوژه محور, کل سنت معرفت شناسی فلسفه مدرن مرده اعلام می شود. در پست مدرنیسم همپای نفی عقل سوژه محور, فرد نیز به عنوان یک واحد مستقل و خود مختار و مطلق العنان نفی می شود, و اساسا تمایزی میان خود و دیـگری باقـی نمـی-ماند.

**نفی فرهنگ واحد و پذیرش فرهنگ های متعدد:** برخلاف مدرنیسم که فرهنگ و عقلانیت غرب مدرن را، به عنوان تنها راهکار سعادت تلقی می کند, پست مدرنیسم بر اساس باور پلورالیستی خود, برای همه جریانات منطقه ای و محلی حق حیات و اعتبار قائل است. بازخوانی اندیشه های **میشل فوکو**، به عنوان پرآوازه ترین متفکر پسامدرنیسم به خوبی می تواند ماهیت اندیشه پسامدرنیسم را برای ما بازشناسی نماید. عمده ترین مضامینی که عرصه فعالیت های فکری فوکو را تشکیل می دهند عبارتند از: حقیقت, قدرت و خود (= علم, سیاست و اخلاق) این سه محور, سه دوره تحول فکری فوکو را نشان می دهد.

از ویژگی­های عنصری و محتوایی پست مدرنیسم، که در واقع سلسله اصول مواضع این مکتب را نشان می­دهد، می­توان به موارد زیر اشاره کرد:

**انکار حقیقت ثابت و عینی** کهاین اصل آنچنان با اندیشه پست مدرنیسم آمیخته است که در پاره­ای موارد پست مدرنیسم را همان انکار استانداردهای عینی باورها دانسته­اند.

**برخورد انتقاد آمیز نسبت به هرنوع معرفت شناسی**که پست مدرنیسم بر حسب دیدگاه انتقاد آمیزش نسبت به سرشت انسانی، تاریخ و الهیات و متافیزیک، قابل تبیین و تشخیص است. برخی از هواداران پست مدرنیسم بر این باورند که جنبه صریحا انتقادی پست مدرنیسم عنصر کلیدی این فلسفه به شمار می­رود. در واقع فلسفه پست مدرنیسم ارزش عمده­ای را برای تفکر انتقادی در نظر می­گیرد.

**نفی کلیت و جامعیت از هرگونه فکر، عقیده و اندیشه**همان گونه که لیوتار در تبیین و توضیح پست مدرنیسم معتقد است که دیگر نمی­توان از یک عقیده و عقلانیت کلیت یافته و جهان شمول سخن گفت؛ زیرا عقل کلی و جهانی هرگز وجود خارجی ندارد. آنچه در اندیشه پست مدرن مطرح است این است که باید از عقل­ها و بینش­ها و اندیشه­های متکثر سخن به میان آورد. بدین ترتیب در دنیای پست مدرن، عدم اعتقاد به دنیای عینی و بی­ایمانی نسبت به توجیهات و استدلال­های کلی یا جهان شمول فلسفی و ناباوری و عدم اعتماد به هرگونه فراروایت درباره مشروعیت وجود دارد.

پست مدرنیست اساسا آمیزه ای التقاطی از هر نوع سنت با سنت های گذشته است: هم تداوم و استمرار مدرنیسم است و هم استعلا و تکامل آن.

وضعیت **پست مدرن** با **سقوط و فروپاشی این فراروایت ها** یا بدبینی مفرط نسبت به این فرا روایت های کلی پا به عرصه وجود میگذارد.

از ویژگی­های عنصری و محتوایی پست مدرنیسم، که در واقع سلسله اصول مواضع این مکتب را نشان می­دهد، می­توان به موارد زیر اشاره کرد:

**انکار حقیقت ثابت و عینی** کهاین اصل آنچنان با اندیشه پست مدرنیسم آمیخته است که در پاره­ای موارد پست مدرنیسم را همان انکار استانداردهای عینی باورها دانسته­اند.

**برخورد انتقاد آمیز نسبت به هرنوع معرفت شناسی**که پست مدرنیسم بر حسب دیدگاه انتقاد آمیزش نسبت به سرشت انسانی، تاریخ و الهیات و متافیزیک، قابل تبیین و تشخیص است. برخی از هواداران پست مدرنیسم بر این باورند که جنبه صریحا انتقادی پست مدرنیسم عنصر کلیدی این فلسفه به شمار می­رود. در واقع فلسفه پست مدرنیسم ارزش عمده­ای را برای تفکر انتقادی در نظر می­گیرد.

**نفی کلیت و جامعیت از هرگونه فکر، عقیده و اندیشه** همان گونه که لیوتار در تبیین و توضیح پست مدرنیسم معتقد است که دیگر نمی­توان از یک عقیده و عقلانیت کلیت یافته و جهان شمول سخن گفت؛ زیرا عقل کلی و جهانی هرگز وجود خارجی ندارد. آنچه در اندیشه پست مدرن مطرح است این است که باید از عقل­ها و بینش­ها و اندیشه­های متکثر سخن به میان آورد. بدین ترتیب در دنیای پست مدرن، عدم اعتقاد به دنیای عینی و بی­ایمانی نسبت به توجیهات و استدلال­های کلی یا جهان شمول فلسفی و ناباوری و عدم اعتماد به هرگونه فراروایت درباره مشروعیت وجود دارد.

از دیگر ویژگی های محتوایی پست مدرنیسم میتوان به **پلورالیسم** اشاره کرد یکی از عناوین مهمی که در مباحث کلامی جایگاه ویژه دارد، پلورالیسم یا کثرت­گرایی است. پلورال‏ در لغت، به معناى جمع، جمعى، متکثر و چندگانه است و پلورالیسم به معناى تکثر، چندگانگى، آیین کثرت و ... می­باشد. پلورالیسم در حوزه­های مختلف، کاربردهای مختلفی دارد که حد مشترک تمامی آن­ها، به رسمیت شناختن کثرت در برابر وحدت، یگانگی و نوعی انحصارگرایی است.

**تشکیک شدید نسبت به باورهای گذشته**: از دیگر ویژگی­های پست مدرنیسم، تشکیک در بسیاری از اعتقادات کهن و سنتی می­باشد.

در ادامه به بررسی نظریات فلاسفه صاحب نام در فلسفه پست مدرن می­پردازیم. از جمله این فلاسفه **ژان فرانسوا** **لیوتار** استاد فلسفه مشهور ترین صورت بندی را از مکتب پست مدرنیسم در سال 1979 انتشار داد. پست مدرنیسم را به عنوان "**بد گمانی نسبت به فرا روایات**" یعنی داستانهای بزرگ درباره جهان و جایگاه پژوهش در آن تعریف میکند. فرا روایت ها حقایق غایی . مطلق و جهانی معروفی هستند که طرح های متفاوت علمی و سیاسی را توجیه میکند.

وی در واقع با اعلان جنگ علیه تمامیت خواهی مدرن که خواهان تصاحب کل واقعیت از طریق نادیده گرفتن تفاوت ها و فروکاستن امور جزئی به کلی یا کثرت به وحدت است. خواهان معکوس شدن این جریان و **بازگشت**  **وحدت گرایی به کثرت گرایی** است. وی بر آن است که با گریز از تقلیل گرایی عقلانیت مدرن و پایان دادن به سیطره قهر آمیز آن که همواره با سرکوب و تحمیل سکوت بر دیگری است کثرت را به عنوان بدیل جهت نجات یافتن از مخمصه ای که عقلانیت مدرن در آن گرفتار شده است. **لیوتار** تشویقمان میکند که" **بیایید جنگی تمام** **عیار علیه هر گونه کلیت و تمامیت به راه بیندازیم**". بیایید شاهد و گواهی بر امر غیر قابل عرضه باشیم. بیایید تفاوت هارا فعال ساخته و شرف و افتخار نام را نجات بخشیم"

و **ریچارد رورتی** می گوید: در اعماق و درون ما چیزی جز آنچه که خود قرار داده ‌ایم، وجود ندارد. نه معیاری که خود به وجود نیاورده باشیم، نه موازینی برای عقل، ... و نه مبحثی جدی که تابع رسوم و رفتار ما نباشد. از موضع گیری تندتر رورتی چنین بر می آید که فرد باید در کار ادامه گفتمان، خشنودتر از کار پی جویی حقیقت باشد.  
رورتی ضمن موافقت با فوکو و دریدا در این که زبان بازتابنده واقعیت نیست، باز هم از آنها فراتر می رود و بر این نظریه پراگماتیک تاکید می کند که: **حقیقت آن است که به کار آید.**

از جمله فیلسوفانی مشرق زمین که بسیار در مبانی فکری نادر اردلان اثر گذاشت به **سید حسین نصر** اشاره کرد.که اندیشه های او به سمت **عرفان و معنویت اسلامی** سوق داشت. بر اساس تعریف نصر سنت رسم و عادت و یا شیوه ی گذرای گذران عمر نیست، سنت که اساسی ترین مولفه جهانی آن **دین** است، تا زمانی که تمدنی که به وجود اورده و مردمی که سنت اصل هدایتشان است در قید وحود باشند ،می­ماند. و چنین سنتی اندیشه پیش برنده جامعه ای معمولی و اصل روح بخش تمام زندگی مردم است. اساسی ترین اصل سنت اسلامی **توحید** است و مهم ترین و صریح ترین تجلی گاه آن **هنر** است.

حسین نصر در بیان چیستی سنت اظهار دارد: "پیامی که از **سنت** می آید تعلق به اکنون دارد، همیشه بوده و هست و خواهد بود سخن از سنت سخن از **اصول تبدیل ناپذیری** است یا منشا آسمانی و سخن از کاربردشان در مقطع مختلفی از زمان و مکان در عین حال سخن از تداوم آموزه های خاص و صور قدسی است که محمل هایی هستند برای انتقال این آموزه ها به انسان. سنت نه خلق و خوی و عادت است و نه شیوه گذرای یک عصر مسجل. سنت که ضروری ترین عنصرش مذهب است به معنای عام آن است. و مادامی که تمدن نشات گرفته از آن و قومی که این سنت حکم اصل رهنمون را برایشان دارد پایدارند، بقا و دوام خواهد داشت".

در حقیقت هنر ها یکی از مهمترین و سر راست ترین تجلیات اصول سنت هستند. بنابراین از دیدگاه نصر انسان سنتی، نحوه زیستن او و هر آن چیزی که از خود پدید می آورد، ریشه در اصولی دارد که او از آن به اصول روحانی یاد میکند و این اصول است که به هنر انسان سنتی نیز ارزش و اعتبار بی زمان میبخشد.

بیانیه تلفیقی نادر اردلان

پست مدرنیسم جنبشی است فلسفی, فرهنگی و هنری دوران معاصر در واکنش به فلسفه و هنر مدرن و پست مدرنیسم مدعی است که از نارسایی ها و نواقص عصر مدرنیسم بی بهره است و می­توان آن را به مثابه"**بازگشت به محتوا**" دانست. کاربرد این اصطلاح در **فلسفه** به دهه هشتاد برمی­گردد که اولا برای اشاره به فلسفه فرانسویی **پساساختارگرایی** و ثانیا برای دلالت بر **واکنشی عمومی علیه عقل گرایی مدرن**، ناکجاآبادگرایی و آنچه بنیان گرایی نامیده می­شد. (کهون،1954)

بسیاری از شارحان و نظریه پردازان پست مدرن عقیده دارند "پست مدرنیته" و "پست مدرن" عمدتا نوعی وضعیت، موقعیت یا شرایط است و در مراحل آغازین خود قرار دارد، هنوز ویژگی ها و شاخصه­های تعین کننده آن جا نیافتاده است. **لیوتار** در تعریفی که از پست مدرنیسم ارایه می­دهد آن را "**ناباوری و عدم ایمان به هرگونه روایت کلان یا فراروایت**" می­داند.

می­توان پست مدرن را نوعی صورت بندی و رخساره در حال ظهور و شکل گیری تلقی نمود. برای مثال براساس دوره بندی **چالز جنکز** که از پست مدرن به عنوان "**مدرن متاخر**" یا **"مدرن پیشرفته"** یاد می­کند و برخلاف پندار رایج در میان سایر پست مدرنیست­ها، آن را نه تنها گسست و انقطاع از مدرن و مدرنیته نمی­داند بلکه آنرا **تداوم و تکامل مدرنیته** محسوب می­دارد.

یکی از مضامین اصلی مورد حمله در فلسفه پست مدرن مضمون روشنگری و دستاوردهای مختلف ان است. تم اصلی اکثر آثاری که از **فلاسفه پست مدرن** خلق شده­اند حمله و **انتقاد علیه روشنگری** ان است. پست مدرنیست به **نفی وحدت گرایی و اعتقاد به کثرت و نسبیت** می­پردازد. پست مدرنیست ها به تبع **نیچه**، مخالف قرار دادن یک حقیقت مرکزی برای زندگی هستند؛ چرا که در این صورت باید دیگر وجوه زندگی را منکر شویم. در واقع **زندگی کلیتی از تفاوت ها** و تکثرها و پراکندگی هاست که نمی توان آن را به یک اصل واحد, یا یک غایت و آرمان یگانه فروکاست. از این رو, پست مدرن در تضـاد با آرمـان گـرایی, غـایـت گرایی, و ذات گرایی است. **لیوتا**ر، پست مدرن را مقاومتی در برابر تبییـن های واحـد, (**نفـی فرا روایت ها**) معـرفی مـی کند. و برخلاف مدرنیسم که فرهنگ و عقلانیت غرب مدرن را، به عنوان تنها راهکار سعادت تلقی می کند, پست مدرنیسم بر اساس باور پلورالیستی خود, برای همه جریانات منطقه ای و محلی حق حیات و اعتبار قائل است.

از دیگر ویژگی های محتوایی پست مدرنیسم میتوان به **پلورالیسم** اشاره کرد یکی از عناوین مهمی که در مباحث کلامی جایگاه ویژه دارد، پلورالیسم یا کثرت­گرایی است. پلورال‏ در لغت، به معناى جمع، جمعى، متکثر و چندگانه است و پلورالیسم به معناى تکثر، چندگانگى، آیین کثرت و ... می­باشد. پلورالیسم در حوزه­های مختلف، کاربردهای مختلفی دارد که حد مشترک تمامی آن­ها، **به رسمیت شناختن کثرت در برابر وحدت**، یگانگی و نوعی انحصارگرایی است.

پست مدرنیسم **گسترده ترین تاثیرش** را در دهه­های 1960 و 1970 در مهم ترین هنر اجتماعی، یعنی **معماری**، برجا گذاشت. بنیان این تاثیر از سال 1961 با کاب بینظیر **خانم جین جیکوبز** به نام **"مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکا"** نهاده شد. سپس در سال 1966 **رابرت ونتوری** در کتاب خود تحت عنوان "**پیچیدگی و تضاد در معماری**" بر این نکته پافشاری کرد که ارتباط معمارانه خواستار سادگی نیست بلکه **طالب پیچیدگی و حتی تضاد** است. ونتوری در مقابل شعار مدرنیستی "کمتر بیشتر است" شعار "**کمتر کسل کننده است**" را قرار داد. بدین ترتیب پست مدرن وارد معماری شد.

مدرنیست ها معماری را یک مسئله ی تکنولوژیک می دانستند. ولی پست مدرنیست ها به **معماری یک نگرش فرهنگی** دارند و فرهنگ در هر منطقه متفاوت با سایر مناطق است.از نظر معماری پست مدرن مسائلی که باید فرم ساختمان را مشخص کند به صورت مختصر عبارتند از: **خصوصیات فرهنگی،اجتماعی،تاریخی و اقتصادی** افرادی که از آن ساختمان استفاده می کنند.، خصوصیات شهری،خیابان،میدان،کوچه،مغازه.، شرایط اقلیمی، رطوبت، سرما، گرما، جنگل، صحرا.، نحوه زندگی روزمره اهالی ساختمان.  
در اکثر کارهای **معماران پست مدرن** مشاهده می شود که آنها سعی دارند تا از **نشانه ها و نمادهایی** استفاده کنند که در هر منطقه مشخص کننده نوع کاربری آن ساختمان است.

پست مدرن ادعاها سبک بین الملل همچون کلی گرایی، جهان گرایی، نخبه گرایی، صورت گرایی را متکبرانه و پر نخوت و حتی اقتدارگرایانه و قدرت مدارانه تلقی می­کند. و در عوض بر **بوم گرایی**، **منطقه گرایی**، **ارزش های بومی و محلی** ، ناحیه گرایی تاکید داشته و شدیدا روی آن­ها سرمایه گذاری می­کند و به **باز آفرینی**، ابداع و کشف مجدد **سبک های سنتی و بومی** و **بازسازی مصالح و موادی** روی می­آورد که زیبایی شناسی مدرنیستی آن­ها را به زباله دان تاریخ فرستاده بود.

اگر لوکوربوزیه منجی معماری مدرنیستی بود **رابرت ونتوری**، دنیس اسکات براون و استیون آیزنور پیامبران معماری پست مدرن محسوب می­شوند. آن­ها به انتقاد جدی و تند علیه سبک بین­المللی و ادعای همگانی بودن و فراگیر بودن روی آوردند و شعار "**مرگ بر همگانی**" را سردادند. ونتوری و همکارانش معتقدند که باید معماری پست مدرن به صورت شوخی درآید و به یک دلقک تبدیل شود. باید اجازه داد تا معماری پست مدرن به طراحی ساختمان­های غیر اقتدار گرایانه بپردازد که به جای گفتن "من یک مربع هستم" بلافاصله چیزهای زیادی را به زبان آورند. معماری شهری چون **لاس­وگاس** نوعی **معماری التقاطی، رمزی، پر از اشاره و کنایه است**، که در نوع خود **معماری نمونه و آرمانی پست مدرن** به شمار می­آید.

ویزگی های اساسی در معماری پست مدرن از دیدگاه چالز جنکز عبارتند از: **التقاط گرایی**، **انسانگرایی**، **رمزگونه**، **چند بنیانی و چند ارزشی**.

یکی از دوران های شاخص **تلفیق معماری غرب و ایران** از آغاز دهه سی و عمدتا دهه چهل و پنجاه شمسی و در زمان **پهلوی دوم** بوده است. در این زمان تعدادی از معماران برجسته همچون **هوشنگ سیحون**، نادر اردلان، کامران دیبا و.. ساختمان های ارزشمندی را طراحی کردند که در آن به شیوه ای بدیع و زیبا ، تلفیق این دو معماری کاملا متفاوت صورت پذیرفت. هوشنگ سیحون در این باره می­گوید: "**ما سعی کردیم که در ایران معماری مدرن داشته باشیم، ولی مدرنی که حال و هوای گذشته ایران در آن تبلور داشته باشد**."

همان گونه که اشاره شد از شخصیت های برجسته معماری پست مدرن در ایران می­توان به نادر اردلان اشاره کرد. که از جمله معماران تحصیل کرده از فرنگ برگشته در دوران شکل گیری **معماری نوگرایی ایرانی** بود. اردلان را می­توان به عنوان **نظریه پرداز** این سبک قلمداد کرد. از ویژگی­های سبک نوگرایی ایرانی می­توان به **استمرار معماری سنتی** ایران که به صورت شفاف و هنرمندانه ای در شکل کالبدی بنا لجاظ شده است اشاره کرد همچنین اصول نظری و شکلی این سبک معماری بر دو **پایه زمان (عصر مدرن) و مکان (سرزمین ایران)** استوار بود و در این دوره فرم های سنتی و معماری گذشته ایران تنها به عنوان زینت برای ساختمان های مدرن مورد استفاده قرار نگرفت.

شکل گیری اندیشه ها و جهت گیری معماری اردلان را می توان متاثر از چند عامل دانست:

**آشنایی با معماری مدرن در غرب** و اهمیت یافتن فن و دانش **و تکنولوژی** روز در شکل گیری معماری بخشی از آن مربوط به دوران اوج معماری مدرن و بخش اصلی آن شامل دوره­ای است که در غرب پیشگامان معماری مدرن از جمله لوکوربوزیه به **باز اندیشی** در آنچه **معماری مدرن** به دنیا عرضه نمود روی آوردند و افرادی نظیر لویی کان، کنزو تانگه و لئون کریر مباحث **بوم گرایی را در معماری** تاکید می نمودند.

آشنایی با بزرگان معماری چون لویی کان و یان مکهارت. **لویی کان** او را در مواجه با مفاهیم **تاریخ گرایی و روح معنوی فرهنگی معماری** قرار داد و شناخت **یان مکهارت** او را با **گرایشات به طبیعت و اکولوژی** آشنا نمود. آشنایی با **سید حسن نصر** و مطرح شدن **مباحث عرفان و معنویت اسلامی** از سوی نصر برای اردلان.

**ازدواج با لاله بختیار** دانش آموخته شهرسازی و آشنا با مطالعات اسلام و عرفان. با همکاری او به پژوهش در زمینه **معماری ایران و مبانی اسلامی** آن پرداخت. گذران مهمترین سالهای زندگی در آمریکا و تحصیلات آکادمیک در آنجا بازگشت به ایران را برای او به فرصتی برای اندیشیدن در مبانی اندیشه ایرانی تبدیل کرد.

تلاش نادر اردلان برای شناخت معماری ایرانی اسلامی و یا به عبارت دیگر فهم معماری اسلامی ایرانی، آنها را به مطالعه آثار به جای مانده در تاریخ معماری ایران و جستجو در مبانی نظری آنها ترغیب نمود، در حقیقت نادر اردلان تلاش داشت ضمن مواجهه با آثار ایرانی اسلامی، آنها را بفهمد و از این فهم به اصول و معیاری برای طراحی معماری در عصر حاضر دست یابد.

او در زمینه فرهنگ سنتی ایران **حسین نصر** را، الهام بخش و محرک در ارائه اثار میداند. حسین نصر در بیان **چیستی سنت** اظهار دارد:

"پیامی که از سنت می آید تعلق به اکنون دارد، **همیشه بوده و هست و خواهد بود** سخن از سنت سخن از اصول تبدیل ناپذیری است یا منشا آسمانی و سخن از کاربردشان در مقطع مختلفی از زمان و مکان در عین حال سخن از تداوم آموزه های خاص و صور قدسی است که محمل هایی هستند برای انتقال این آموزه ها به انسان. سنت نه خلق و خوی و عادت است و نه شیوه گذرای یک عصر مسجل. سنت که ضروری ترین عنصرش مذهب است به معنای عام آن است. و مادامی که تمدن نشات گرفته از آن و قومی که این سنت حکم اصل رهنمون را برایشان دارد پایدارند، بقا و دوام خواهد داشت". در حقیقت هنر ها یکی از مهمترین و سر راست ترین تجلیات اصول سنت هستند.

اردلان تحت تاثیر آموزه های نصر تلاش مینماید از مسیر فلسفه و عرفان اسلامی، و بر مبنای تعریفی که نصر از سنت معماری سنتی، سنت اسلامی و معماری سنتی اسلامی ارائه مینماید و بر اساس مسیری که نصر در رسیدن به فهم معماری اسلامی پیش رو قرار میدهد، به فهم معماری اسلامی دست یابد. حاصل مطالعات نادر اردلان در حوزه معماری اسلامی و نتیجه پژوهش های او در مواجهه با آثار و بیان فهم حاصل از این مواجهه و چگونگی اخذ اصول و معیار طراحی، در اثر مکتوب حس وحدت ارائه شده است.

اثار طراحی شده اردلان تحت تاثیر این آموزه ها آثاری است همچون مدرسه عالی مدریت که با الهام از باغ های ایرانی و مدارس سنتی ایرانی ساخته شده است و **ساختمان مرکزی گروه صنعتی بهشهر** که ایده طراحی آن برگرفته از سنت های معماری ایرانی همچون **گودال باغچه** **و تقارن** طرح حول محورهای تقارن شکل مربع طرح صورت گرفته است. و آثاری همچون پروژه مرکز موسیقی ایران و دانشگاه بوعلی سینا در همدان که عنصر غالب این طرح ها **گرایش تعقلی به معماری ایرانی** است و عنصر بارز تر آن را میتوان **هندسه** نامید.

**فهرست منابع:**

1-گلن، وارد، **پست مدرنیسم**، ترجمه­ی قادر فخر رنجبری و ابوذر کرمی، تهران نشر ماهی 1383

2-کهون، لارنس، **متن­هایی برگزیده از مدرنیسم تا پست مدرنیسم**، ویراستار فارسی عبدالکریم رشیدیان، نشر نی 1381

3-نوذری، حسینعلی، **صورتبندی مدرنیته و پست مدرنیته**، تهران نقش جهان 1379

1. - Zygmunt Bauman [↑](#footnote-ref-1)
2. - Rudolf Panvyts [↑](#footnote-ref-2)
3. - Federico Avnys [↑](#footnote-ref-3)
4. -Jean-Francois Lyotard [↑](#footnote-ref-4)
5. لیوتار در کتاب مشهور خود به نام «وضعیت پسامدرن؛ گزارشی درباره دانش» بیش از دیگران به نقد و بررسی این مفهوم می پردازد و تعبیرات گسترده یی از آن ارائه می دهد.لیوتار در کتاب خود مفهوم «کلان روایت» را این گونه توصیف می کند؛ نظریه یی که سعی دارد روایتی کلی و فراگیر از تجارب، وقایع گوناگون تاریخی و پدیده های فرهنگی و اجتماعی ارائه دهد تا طبق آن حقیقتی فراگیر یا ارزش هایی جهانی بنیان نهد. از دید او روایت، داستانی است که کاربرد آن مشروعیت بخشیدن به قدرت، صلاحیت، اعتبار، اختیار و رسوم اجتماعی است. در واقع این روایت های کلان با به کارگیری نوعی الگو یا دانش جهانی ادعای معنی بخشیدن به پدیده ها و وقایع گوناگون در تاریخ را دارند. [↑](#footnote-ref-5)
6. - decreation [↑](#footnote-ref-6)